

«شاگرد انشتین»، «مرد علمی سال» و «صاحب نظریه بودن» حسابی را «حسابی» نکرد

مروری بر زندگی دکتر حسابی، فیزیک پیشه‌ای که آینده درخشان علمی‌اش را فدای اعتلای ایران کرد

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس: علمی

فردا مصادف است با پانزدهمین سالگرد درگذشت زنده‌یاد استاد سید محمود حسابی، پدر دانش فیزیک نوین در ایران و پایه‌گذار نخستین دانشگاه کشور که عمر پربار خود را خالصانه وقف ترویج دانش و اعتلای علمی کشور کرد.

به گزارش خبرنگار علمی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، زنده‌یاد دکتر حسابی بی شک یکی از موثرترین خدمتگزاران علم و فرهنگ ایران در عصر حاضر و از پیشگامان رواج دانش جدید و ایجاد نهادهای علمی نوین در کشور به شمار می‌رود که خالصانه کمر به آبادانی ایران بست و در شرایطی که می‌توانست به بالاترین سطوح علمی جهان در رشته فیزیک نایل شود، با شوق خدمت به کشور موقعیت مناسب علمی خود در بزرگترین دانشگاه‌های جهان رها کرد و به ایران بازگشت و با پایه‌گذاری و مشارکت در ایجاد بزرگترین نهادهای علمی، آموزشی و اجرایی کشور نقشی بی‌بدیل و تاریخی در مسیر توسعه علمی ایران ایفا کرد.

مرحوم دکتر حسابی که در اوایل اسفندماه ۱۲۸۱ هجری شمسی در خانواده‌ای «تفرشی» به دنیا آمد، به دلیل شرایط خاص خانوادگی این امکان یافت که به رغم مشکلات و تنگناهای مالی خانواده تحصیلات خود را در مدارس و دانشگاه‌های امروزی لبنان و فرانسه پشت سر بگذارد و در نخستین سال‌های جوانی به دریافت مدارج مختلف علمی از جمله دانشنامه دکتری فیزیک با درجه عالی از دانشگاه سوربن فرانسه نایل شود.

حسابی چند سال بعد برای تکمیل نظریه‌ای که در زمینه فیزیک ذرات داشت به آمریکا رفت و مدتی در دانشگاه‌های پرینستون و شیکاگو به فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه پرداخت.

دکتر حسابی علی‌رغم علاقه شدیدی که به فیزیک و فعالیت‌های تحقیقاتی داشت و با وجود موقعیت مناسبی که برای کار و تحقیق در بهترین و مجهزترین دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌های روز دنیا داشت، به ایران بازگشت آن هم در شرایطی که در محیط استبدادزده و عقب‌مانده آن روز هیچ جایگاه درخوری برای اشتغال یک دانش‌آموخته عالی فیزیک وجود نداشت.

حسابی با این حال این بخت را پیدا کرد که با همراهی جمعی از رجال فرهیخته آن روزگار، زمامداران بی‌سواد اما شیفته مظاهر تمدن غرب را به ایجاد دانشگاه در کشور متقاعد کند و به این ترتیب در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران به عنوان نخستین مرکز آموزش عالی امروزی در کشور آغاز به کار کرد.

دکتر حسابی حدود نیم قرن یعنی تا آخرین سال‌های حیات خود ارتباط علمی خود را با دانشگاه تهران به عنوان استاد حفظ کرد که ثمره آن تربیت چندین نسل از اساتید و دانش‌آموختگان علوم و مهندسی در کشور است.

وی در کنار تدریس و فعالیت‌های آموزشی نقشی استثنایی در پایه‌گذاری بسیاری از فعالیت‌ها و مراکز علمی و اجرایی کشور ایفا کرد.

از جمله دستاوردها و خدمات علمی و فرهنگی استاد مواردی همچون انجام اولین نقشه‌برداری علمی، فنی و مهندسی کشور (تهیه نقشه نوین راه ساحلی سراسری میان بنادر خلیج فارس - بندر لنگه به بوشهر) (سال ۱۳۰۶)، تأسیس مدرسه مهندسی وزارت راه و تدریس در آن (سال ۱۳۰۷)، تأسیس دارالمعلمین عالی و تدریس در آن (۱۳۰۷)، ساخت نخستین رادیو در کشور (۱۳۰۷)، تأسیس دانشسرای عالی و تدریس در آن (۱۳۰۸)، ایجاد نخستین ایستگاه هواشناسی در ایران (۱۳۱۰)، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران

(۱۳۱۰)، تعیین ساعت ایران (۱۳۱۱)، تأسیس اولین بیمارستان خصوصی در ایران به نام «بیمارستان گوه‌رشاد» (به یاد مادر گرامیشان) (۱۳۱۲)، مأموریت وزارت راه برای ساخت راه تهران به شمشک جهت معادن ذغال سنگ (۱۳۱۲)، پیشنهاد و تدوین قانون تأسیس دانشگاه تهران و تأسیس دانشکده فنی (۱۳۱۳) و ریاست آن دانشکده تا سال ۱۳۱۵ و تدریس در آن، تأسیس دانشکده علوم و ریاست آن دانشکده از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷ و از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ و تدریس در گروه فیزیک آن دانشکده تا واپسین روزهای عمر، تأسیس مرکز عدسی‌سازی - دیدگانی - اپتیک کاربردی در دانشکده علوم دانشگاه تهران، مأموریت خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دولت زنده‌یاد دکتر مصدق، ریاست اولین هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران، تصدی وزارت فرهنگ در کابینه مرحوم دکتر مصدق، پایه‌گذاری مدارس عشایری و تأسیس نخستین مدرسه عشایری ایران (۱۳۳۰)، مخالفت با طرح قرارداد ننگین کنسرسیوم و کاپیتولاسیون در مجلس، مخالفت با عضویت دولت ایران در قرارداد سنتو (باکت بغداد) در مجلس، پایه‌گذاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران (۱۳۳۰)، پایه‌گذاری مرکز تحقیقات و رآکتور اتمی دانشگاه تهران، تأسیس سازمان انرژی اتمی و عضو هیأت دایمی کمیته بین‌المللی هسته‌یی (۱۳۳۰ - ۱۳۴۹)، تدوین قانون استاندارد و تأسیس مؤسسه استاندارد ایران (۱۳۳۳)، تأسیس نخستین رصدخانه نوین در ایران، تأسیس اولین مرکز مدرن تعقیب ماهواره‌ها در شیراز (۱۳۳۵)، پایه‌گذاری مرکز مخابرات اسدآباد همدان (۱۳۳۸)، تشکیل و ریاست کمیته پژوهشی فضای ایران و عضویت دایمی کمیته بین‌المللی فضا (۱۳۶۰)، تأسیس انجمن موسیقی ایران، تأسیس و عضویت پیوسته فرهنگستان زبان ایران از (۱۳۴۹) تا واپسین روزهای فعالیت آن مرحوم ذکر شده است .

دکتر حسابی بی‌شک یکی از بزرگترین چهره‌های علمی معاصر کشور است که توانست در مقطعی تاریخی از توسعه کشور به مدد همت والا، نوجویی و عشق سرشار خود به پیشرفت و آبادانی میهن، نقشی بی‌بدیل در عرصه دانش و فرهنگ کشور ایفا کند که البته سعادت گام برداشتن در این راه مقدس را با چشم‌پوشی از بسیاری امتیازات و فرصت‌های درخشان پیشرفت علمی و مادی بدست آورد .

دکتر حسابی سرانجام پس از نود سال عمر پر بار و خدمت بی وقفه در راه توسعه و اعتلای ایران در شهریورماه ۱۳۷۱، به دنبال عارضه قلبی بدرد حیات گفت؛ در حالی که همانند بسیاری از چهره‌های علمی و فرهنگی و خدمتگزاران صادق اعتلای ایران حتی در واپسین سال‌های حیات خود گمنام و ناشناخته ماند و جز اقلیتی از اهالی علم و فرهنگ کمتر کسی با جایگاه علمی و خدمات ماندگار وی آشنایی داشت .

شاید مهمترین تقدیری که در زمان حیات مرحوم حسابی از پیشگام دانش نوین کشورمان شد، تجلیل جمعی از شاگردان و دوستداران قدرشناسش از وی طی کنفرانس شصت سال فیزیک ایران در سال ۱۳۶۶ بود که بخشی از مراسم را به تجلیل از او به عنوان «پدر فیزیک ایران» اختصاص دادند .

با این حال اندک زمانی پس از درگذشت دکتر حسابی به یکباره نام او را در رسانه‌ها مطرح شده و دیری نگذشت که این استاد پیشکسوت که در طول عمرش کمتر نامی از او مطرح می‌شد و کمتر مسئولی سراغی از او می‌گرفت، به سرعت به شهرتی بی‌سابقه دست یافت به طوری که خیابان‌ها و مدرسه‌ها و اماکن مختلفی در سراسر کشور به اسم وی نامگذاری شد و نام او زینت بخش کتاب‌های درسی شد .

به گزارش ایسنا، شکی نیست که متأسفانه در کشور ما مرگ - ترجیحاً از نوع غریبانه و ناگهانی - معمولاً اولین شرط برای بازشناسی و قدردانی از شخصیت‌های بزرگ علمی و فرهنگی است ولی در مورد مرحوم دکتر حسابی به نظر می‌رسد، دلایل دیگری هم در شهرت بالا و یک‌باره وی مؤثر بوده است .

از جمله آنها طرح اعطای عنوان مرد علمی سال ۱۹۹۰ در رشته فیزیک از سوی مؤسسه‌ای موسوم به «مرکز بین‌المللی بیوگرافی» کمبریج به مرحوم دکتر محمود حسابی است .

عنوانی که اگر چه به زعم جامعه علمی و فیزیک پیشگان کشور با توجه به عدم اعتبار علمی آن مؤسسه هیچ چیزی بر افتخارات ماندگار و جایگاه علمی درخشان مرحوم دکتر حسابی نمی‌افزاید، ولی در تبلیغات و مطالبی که از سوی برخی مطرح می‌شود، از آن به عنوان یکی از بزرگترین افتخارات و عناوین علمی این دانشمند فقید یاد می‌شود!

یکی دیگر از مهمترین افتخارات و عناوینی که درباره مرحوم حسابی مطرح شده و همچنان سرتیتر بسیاری از بیوگرافی‌ها و مقالات و خبرها در مورد ایشان است، عنوان «تنها شاگرد ایرانی انشتین» است .

البته با توجه به جایگاه برجسته انشتین به عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان سده‌های اخیر و به ویژه با توجه به جایگاه و موقعیت منحصر به فرد این فیزیکدان بزرگ به عنوان سمبل علم و دانشمند در جامعه علم دوست ما - که یک روز شاهد ظهور ستاره دنباله‌دار وطنی او در برخی رسانه‌ها هستیم و روزی دیگر تصویر خردسالی تا کهن‌سالی او را در بیلبوردهای تبلیغاتی شهر می‌بینیم که تاکید می‌کند اگر کتاب‌های موسسه «...» را بخوانیم حتما در کنکور قبول می‌شویم - تلاش برای انتساب دکتر حسابی به عنوان یک فیزیکدان ایرانی به این دانشمند برجسته قرن که روزگاری هم‌زمان با حضور وی در دانشگاه پرینستون بوده است، چندان غریب نیست، با این حال مرحوم حسابی در معدود مصاحبه‌هایی که داشته - از جمله مصاحبه تفصیلی با مجله «دانشمند» - در بیان خاطرات خود تنها به دیداری کوتاه با آلبرت انشتین اشاره می‌کند که طی آن نظریه خود را برای آن فیزیکدان بزرگ مطرح کرده و انشتین از او خواسته به تحقیقاتش در آن زمینه ادامه دهد .

چه بسا اگر دکتر حسابی می‌توانست به عشق سرشار خود به رفع عقب ماندگی‌ها و پیشرفت کشورش غلبه کرده و آسایش کار در آزمایشگاه‌ها و محیط‌های علمی پیشرفته غرب را به شوق خدمت در جامعه عقب‌نگه‌داشته شده ایران دهه‌های نخست سده ۱۳۰۰ رها کرده و تحقیقات علمی موفق خود را در عرصه فیزیک پی می‌گرفت، روزی به فیزیکدانی نامدار در عرصه جهانی و صاحب نظریه تبدیل می‌شد؛ اما روح بلند و متعهد دکتر حسابی که با اغنای خودخواهانه حس علم دوستی و کسب عناوین و افتخارات فردی سیراب نمی‌شد، آینده دیگری را برای او رقم زد .

اندک تاملی در سوابق و خدمات درخشان این دانشمند متعهد که همگان بر نقش تاریخی و سازنده او در پیشرفت علمی ایران اذعان دارند، چنان تصویری باشکوه و ستودنی از مرحوم دکتر حسابی ترسیم می‌کند که عناوینی چون «مرد علمی سال»، «شاگرد ایرانی انشتین» و برخی تعبیرات مبالغه‌آمیز که درباره جایگاه علمی آن مرحوم در عرصه تحقیقات فیزیک مطرح می‌شود در برابر آن‌ها رنگ می‌بازد .

حسابی بدون این عناوین هم دوست‌داشتنی، ستودنی و بزرگ است و چه بسا دوست‌داشتنی‌تر، ستودنی‌تر و بزرگ‌تر .

و به قول حافظ که استاد عمیقا به او عشق می‌ورزید :

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

اگر چه مبالغه‌گویی و بستن برخی پیرایه‌ها به شخصیت‌های بزرگ علمی آن‌هم در شرایطی که چیزی بر قدر و منزلت آنها نمی‌افزاید، امری قابل‌نکوهش است، اما در پایان این سوال باقی می‌ماند که به راستی اگر حسابی طی این سال‌ها به عناوینی چون «شاگرد انشتین»، «مرد علمی سال»، «فیزیکدان بزرگ قرن و صاحب نظریه‌ای شناخته شده در مجامع علمی جهان» متصف نمی‌شد، آیا امروز نیز همانند دوران حیاتش مهجور و گمنام نمی‌ماند؟

تامل در جایگاه اندیشه‌وران و دانشمندانی چون مرحوم استاد هشترودی و ده‌ها دانشمند و شخصیت علمی و فرهنگی مهجور دیگر چون او، ما را به جوابی نه چندان خوشایند می‌رساند که براساس آن باید در کنار تجلیل از جایگاه دانشمندانی چون حسابی بیش از پیش در سامانه‌های بنیادین مفهوم علم و جایگاه دانشگران در جامعه‌ای که به رغم گذشت ۷۰ سال از تاسیس دانشگاه هنوز مجال تشکیل اجتماع علمی را نیافته و مفهوم نوین علم را آن‌گونه که در دنیای پیشرفته مرسوم است، به رسمیت نشناخته تلاش کنیم.